

یادداشت

یک روز ترافیک

مهسا جمشیدی

تا گاهان صدای بلند یک ترانه وسط خیابان شلوغ تو رو از جا می پرونه! این صدای ضبط به ماشینه که سه تا پسر ظاهراً سرخوش توش نشستن. اونقدر با خودتون می خندن و روی صندلی هاشون ورجه وورجه می کنند که آدم شک می کنه...



تازه ازدواج کرده اند. اما اونقدر بدعق و گرفته به نظر میان که فکر می کنی به زور پیش هم نشستن همین که همدیگر و تحمل، می کنند فداکاری کرده اند؛ اگرچه ماشینیه که توی اون نشستن بالای ۶۰ - ۵۰ میلیون قیمت داره؛ ترافیک به اندازه کافی سنگین هست و به نظر می رسه تو اونقدر وقت برای تلف کردنی که بتونی آدم های داخل ماشین ها رونگه کنی و حتی بعضی وقت ها روانشناسی چهره انجام بدی!

بعد از اون یک پیکان مسافرکش توپخت رو جلب می کنه که دیگه از فرط فرسوده شدن به زور راه می ره. اما انگار مسافرهاش از خودش فرسوده ترند؛ از اون معذوم ماشین هایی که هنوز ۵ نقره مسافر می زنن. دو نفری که جلون نشستن از بس جاشون تنگه انگار توش دلشون دارن به همدیگه بد و بیراه می کن؛ از سه نفر عقب هم یکی داره سرک می کنه ببینه این ترافیک لعنتی کی تموم می شه! مسافر دیگه سرش رو انداخته به شیشه و داره با چهره ای صمیمی اون بیرون و نگاه می کنه و وسطی هم که تو درست نمی تونی ببینیش. اما معلومه که خیلی کار داره و دیرش شده؛ چون دلم چغ دست چپش رو تا نزدیک سینه بالا میاره و نگاه به صفحه ساعت می اندازه. حالا این ما خلوت شده و جلوم می زیم و با یک پوز ۲۰۶ نفری که راننده اش به دختر خانومه شانه به شانه می شیم. دختر خانوم انگار نه انگار که توی ترافیکه و اصلاً هیچ اثری از اخم و بد عتیق و ناراحتی روی چهره اش نمی بینی.

داره با موبایلش حرف می زنه و انگار اونور خط یکی از این دنیای شلوغ و باخواب خرد کن بیرونش می بره. به اصطلاح اصلاً توغ با نیست و مدام تویه جلو داره به خودش نگاه می کنه... و بالاخره بعد از ۸۷ دقیقه متوالی و طولانی و خسته کننده، تازه موفق می شی راه رو از اتوبان لالباب از ماشین جدا کنی و با خوشحالی تمام، از ترافیک نمود نشدنی بیرون می آیی و باز هم بعد از ۲۰ دقیقه رانندگی با حداکثر سرعت ممکن به میانسراش می برسی. به محض اینکه وارد می شی، نگاهان جلیوت رو می گیری و با لحنی جدی و خشک بهت می گه: «وقت ملاقات تموم شده خانوم!»



در همایش نماز و دانشگاه آزاد اسلامی

راهی برای بهتر زیستن

بایگ آزاد

دانشجویان مسیر «دانشگاه آزاد علوم اجتماعی واحد تهران شمال را خوب بلدند. کافی است دنبال این جمع جوان راه بیفتی تا به محل برگزاری جشن و همایش «ستاد اقامه نماز، برسی. ماشینیه که در سالن اجتماعات این واحد و همزمان با جشن روز ولادت امام زراغ) برگزار می شود. امروز دیگر از نشان دادن کارت دانشجویی خبری نیست. چراغ های رنگی و نور و صدایی که از سالن به بیرون می تازد، همراه با کلمات تبریک کوچک اما زیبای یجه بسیجی های دانشگاه وادارت می کند زودتر خود را به جمع داخل سالن برسانی. جمعی که برای بی واسطه و زیباترین راه عبادت و زیارت با خدا روی صندلی ها نشسته و در ذهن و دلشان رابطه خود را با خدایشان سبک و سنگین می کنند. حسی که در اولین لحظه ورود به سالن و آرمین نشسته آنچه در خصوص نماز گفته می شد، بدان دست یافتم.

آن حالت منوری

صدای روح انگیز گروه تونیش که حالتی منوی به جمع حاضران بخشیده است، گویند خاصیت آهنربایی دارد. همه آنهایی که بیرون جمع بوده اند، دانه دانه همچون تسبیح، وروی سالن را پر می کند. هر چند صدای بلندگوها در بیرون از سالن هم دانشجویان را به داخل دعوت می کند و این صدای روحانی که از جنجوره چند جوان ایرانی بیرون می آید چنان به زیر و بم زبان عربی جنبه ای جلمه گونه بخشیده است که تومیش به سادگی ممکن نیست. وضوع تاثیر این صدا را به راحتی می توانی در حضور و پسران دانشجوی ترم های اول دید. همان هایی که بعضی ها فکر می کنند چون لباس پوشیدن آنها اقتضای سن شان است، پس نمی توانند که ارتباطی روحانی با خدا داشته باشند. اتفاقاً آنهایی که تا آخرین لحظه در این همایش جشن گرفته بانی ماندند، از جنس همین بچه ها بودند.

دکتر کامییز تحولیاری مدیر فرهنگی و دبیر اجرایی همایش در خصوص این مراسم می گوید: «این همایش براساس برنامه های معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، همایش اقامه نماز را برگزار کنیم. به همین دلیل پس از چند ماه برنامه ریزی و فراخوان مقاله که در سطح استادان، دانشجویان و کارکنان برگزار شد، مقالات برتر انتخاب شدند که امروز جوایز خود را دریافت می کنند.» برنامه با گفته های دکتر یعقوب زاهد رئیس این واحد، دانشگاه آزاد که به عنوان میزبان همایش انتخاب شده بود، آغاز شد. وی در ابتدا، ضمن خوشامدگویی به حاضران، ابراز امیدواری کرد این گونه برنامه های فرهنگی ادامه داده باشد.

دکتر محدثین به عنوان دبیر علمی، «همایش اقامه نماز» دانشگاه آزاد اسلامی را در دکتر جاسبی در این همایش شرکت کرده بود، در برنامه های معاونت فرهنگی این دانشگاه و حوزه تحت مدیریت گفت: «در حوزه معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، دبیرخانه ای به نام ستادهای حوزه است

می کند، احساس خوبی پس از آن دارد. وقتی این درد دل کردن با موجودی به نیاز باشد که اسرار دل شمارا برای دیگری فاش نخواهد کرد، این احساس دوربرابر می شود. استاد روانشناس دانشگاه تهران در توضیح دومین نیاز انسان امروزی که می تواند آن را در نماز بیابد، می گوید: «انسانهای امروز دو تلقی از زندگی دارند. عده ای که در میان غربی ها بیشتر یافت می شوند، معتقدند ما تصادفی به دنیا آمیدیم و در این کویر بیروت ما سنگی هستیم که بود نبودمان تأثیری در این جهان می هومت ندارد، اما دسته دیگری هستند که فکر می کنند در جهانی زندگی می کنیم که خداوند سبب به وجود آمدن آن است و تمام موجودات تسبیح اورا می گویند و اگر من هم تسبیح گوی او باشم، با این جهان و تمام موجوداتش وصل می شوم. این انسانهای دسته دوم هستند که در جهان احساس غربت و تنهایی نمی کنند. سوم نیاز انسان امروزی بخصوص جوانان و دانشجویان این است که غایت زندگی چیست و چرا زندگی می کنیم. این خاصیت دوران جوانی است که سوالات بنیادی مطرح کند. اگر به پاسخ سوالاتش برسد، دارای هویت می شود و اگر بداند چرا زندگی می کند، قادر است در هر شرایطی به زندگی اش ادامه دهد. ارتباط با خدا و نماز به این نیاز پاسخ می دهد. چون من گویم ما را به راه راست هدایت کن. نماز به انسان قدرت تمرکز می دهد و سوالات بنیادی را پاسخ می دهد. چهارم آنکه هر انسانی دوست دارد به شکل بویا و روبه رشد زندگی کند و به کمال برسد. نماز این مهم را انجام می دهد. شاید توجه کرده باشید وقتی پیش از خواب یک روز بزرگی می بایند، چه احساس خوبی دارد و اگر تمام توان فیزیکی خود را گذاشته باشید، خاطر خوبی دارید. نماز باعث می شود هر روز این احساس را داشته باشیم، چون از فردیت خارج می شویم و احساس می کنیم در پرتو نور الهی رشد می کنیم. مثل دانه ای که زیر زمین است و رشد می کند، اما برعت رشدش بسیار کم است، اما همین که سر خاک در آورد و نور به او رسید، رشدش چندمیانر می شود. دکتر شرفی در تشریح تجربیات این استادان که با نماز روح می شود، می گوید: نیاز به پشتیبانی بخصوص در زمان تنگناها و مواقعی که قدرت ما از مشکلات مواجهه نشود، نه تنها کسی که با نماز ارتباط دارد، حتی کسی که نزدیک ابدی و خاتم علیزاده این سه استاد بودند.

در میان دانشجویان هم ۷ نفر به عنوان نگران برتر شناخته شدند که در میان آنان فقط نام دو دبیرس دانشجوی به چشم می خورد. در میان کارمندان هم سه نفر از خانمها جوایزی دریافت کردند. اقامه نماز جمعاعت به پایان رسیده است و دانشجویان خود به پنج نیاز انسان اشاره می کند که نماز به آنها پاسخ می دهد. اول آنکه در هیاهوی زندگی ما خود را فراموش می کنیم، اما نماز این فرصت را به ما می دهد در هر روز حداقل ۵ بار با خود و خدایش خلوت کنیم. آنگه که در دل و سفره دلش را باز و خویشتن و با آرامش خوب ببود.

نیاز انسان امروزی بخصوص جوانان و دانشجویان این است که غایت زندگی چیست و چرا زندگی می کنیم. این خاصیت دوران جوانی است که سوالات بنیادی مطرح کند. اگر به پاسخ سوالاتش برسد، دارای هویت می شود و اگر بداند چرا زندگی می کند، قادر است در هر شرایطی به زندگی اش ادامه دهد. ارتباط با خدا و نماز به این نیاز پاسخ می دهد. چون من گویم ما را به راه راست هدایت کن. نماز به انسان قدرت تمرکز می دهد و سوالات بنیادی را پاسخ می دهد.

در زندگی کمک حالم خواهد بود. «فهیسه اصغر زاده، دوست کم حرفش «عادلده صادقی زاده» در حال بازدید این نمایشگاه می گوید: «ارتباط با خدا در اجتماع به کمک آدم می آید. آرامش و اعتماد به نفس منی همه. این احساسات به این دلیل است که یک دوست خیلی قوی و بزرگ پشت سر خود دارد و همین حس باعث می شود تا در مشکلات روزمره به اصطلاح کمک نیابری.» پنج مشکل زندگی امروزی و حل آن در پرتو نماز دکتر شرفی جامعه شناس و روانشناسی که در دانشگاه تهران تدریس می کند و دانشجویان علاقه مندش که در رشته روانشناسی درس می خوانند، یکی از اقامه می کنیم، یعنی آن استادهاشان همین دکتر محمدرضا شرفی است. وقتی گفته هایش به پایان می رسد، دلیل این علاقه را کاملاً درک می کنیم. او شیرین سخن می گوید: «این همایش به نام اقامه نماز برگزار می شود. مثلاً چرا به جای اقامه نماز می گویم خواندن نماز؟ دو معنی زیبا در کلمه اقامه نهفته است. نماز یعنی وقتی می گویم اقامه نماز می کنیم، یعنی بین انسان و همه زشتی ها دیواری قامت می بندد و ساخته می شود و دوم آنکه وقتی ما نماز را اقامه می کنیم، یعنی آن رقم خود فرار می دهیم. وقتی نماز سربست انسان شد، یعنی حافظ انسان است و اگر با مشکلات مواجه نشود، نه تنها نمی ترسد، بلکه به دیگران کمک هم می کند. دکتر شرفی از منظر دیگری به نماز اشاره می کند و آن را در زندگی پر استرس و مشکل امروزی می بیند: «کارشناسان مسائل بهداشت عقیده دارند که در بعضی زندگی کردید که به نیازهای روحی خود پاسخ دادید، دیگر خوشحال، خویشتن و با آرامش خوب بودید.»

وی برای ارتباط میان تعریف خوشبختی زندگی امروزی و نماز به پنج نیاز انسان اشاره می کند که نماز به آنها پاسخ می دهد. اول آنکه در هیاهوی زندگی ما خود را فراموش می کنیم، اما نماز این فرصت را به ما می دهد در هر روز حداقل ۵ بار با خود و خدایش خلوت کنیم. آنگه که در دل و سفره دلش را باز و خویشتن و با آرامش خوب ببود. این دانشجویان در بیان با کمی تعجب نسبت به جمله ای که می خواند می گویند با صدایی محکم می گویند: «من از ۹ سالگی نماز می خوانم و احساس می کنم که این نماز باعث سبکی و آرامش روحم می شود. از آن منظر، فکر می کنم همیشه خدا

معاونت فرهنگی تعیین کردیم. از جمله، ستاد همایشهای تکریم ولایت و امام زمان (عج)، ستاد عمره دانشجویی، ستاد اردوهای دانشجویی و از جمله همین ستاد اقامه نماز که در آراس برنامه های ما و مسانتهای فرهنگی واحدهای دانشگاه آزاد گرفت.» دکتر مظفری در حالی که خیرنگاران برای شنیدن نظراتش از رسانه های گوناگون صف کشیده اند، ادامه می دهد: «مدیران فرهنگی دانشگاه سراسر کشور بر مبنای این اصول اقدامهای پژوهشی و فراخوان مقاله در حوزه و دانشگاه بوجه مناسبی تدارک دیده شود. در حال حاضر این مسائل در مناطق دانشگاهها به وفور برگزار می شود.»

وی در خصوص اینکه این برنامه های امیدوار کننده می گوید: «پیش بینی می شود مقالات استادان و دانشجویان برتر تهیه شود که در نهایت موجب خواهد شد این در حرکتهای پژوهشی، فرهنگی و علمی دوستان تأثیر بسیار مثبتی داشته باشد.» دکتر مظفری معاون فرهنگی دانشگاه آزاد در خصوص روحیه نماز میان قشر جوان بخصوص دانشجویان نظرات جالبی دارد و می گوید: «منطق ذهنیت فردی من در این مورد بسیار مثبت است. البته این جدا از آمارهایی است که مدیران فرهنگی دانشگاه اعلام می کنند، اما من به زبان غیر آمار می گویم که فضای فیزی دانشگاهها قابل تمجید و احترام است.»

وی بدون هیچ اغراقی ادامه می دهد: «به فرض اگر دانشجویان با امام جماعت دانشگاهش اختلاف داشته باشد، مساله غیر طبیعی نیست، اما بافت و فضای دینی دانشجو از جمله اعتناک، عمره دانشجویی و غیره و مثبت ارزیابی می کند و بر وجه قدم های بهتر و مثبت تر تأکید دارم.» نمایشگاهی که جاذبه داشت در محوطه کوچک حیاط دانشگاه علوم اجتماعی واحد تهران شمال، آثار هنری دانشجویان که در میان آنها کارهای معرق، تذهیب و نقاشی با رویکرد ارتباط عاطفی با پروردگار به چشم می خورد، چند دانشجو در حال بازدید از آثار و بحث در خصوص هر کدام از آنها هستند.

مینا پرورش یکی از همین دانشجویان است و می گوید: «به نظر من که سطح کارها بالاست و اینکه دانشجویان رشته های غیر هنری چنین خلاقیتی داشته باشند، بسیار جالب است. خاتم پرورش که کارهای معرق بشدت جذبش کرده اند، در خصوص برگزاری همایش می گوید: «من کاری به نظر بقیه بچه ها ندارم، اما فکر می کنم همایش خوب، مفید و جالبی بود. من به نماز علاقه دارم و حسی من به زینت همایشهای این چنینی مشوق بچه ها برای شناخت بیشتر نماز می شود. احساس نزدیکی به خدا که خیلی ارزشمند است.» این دانشجو در پایان با کمی تعجب نسبت به جمله ای که می خواند می گویند با صدایی محکم می گویند: «من از ۹ سالگی نماز می خوانم و احساس می کنم که این نماز باعث سبکی و آرامش روحم می شود. از آن منظر، فکر می کنم همیشه خدا

